

ج: گزارش کنفرانس بررسی روابط ایران و آمریکا

■ روز پنجشنبه ۵ خرداد ماه ۱۳۷۴، «سیاست آمریکا در قبال ایران» موضوع کنفرانس مرکز مطالعاتی «شورای سیاسی خاورمیانه Middle East Policy Council» بود و آقای «مک گاورن» ریاست کنفرانس را بر عهده داشت. خانم «الن لیپسان» مدیرکل امور آسیای شرقی و خاور نزدیک در شورای امنیت ملی آمریکا، آقای «گری سیک» مشاور سابق شورای امنیت ملی آمریکا در امور خاورمیانه و استاد کنونی دانشگاه کلمبیا و آقای «ریچارد کاتم» استاد دانشگاه پیتزبرگ سخنرانان این کنفرانس بودند. خانم آلن لیپسان مواضع رسمی کابینه کلینتون را تشریح کرد، آقای گری سیک به عنوان مخالف، سیاست کابینه کلینتون در قبال ایران را به شدت مورد انتقاد قرار داد و آقای کاتم نیز روند پانزده سال انقلاب اسلامی ایران و فرآیند آن را بررسی کرد. خانم لیپسان نخستین مقام رسمی آمریکا بود که دستورالعمل‌های اخیر کلینتون درباره تحریم اقتصادی ایران را از نظر سیاسی تشریح و تا حدودی اهداف سیاسی دولت آمریکا از وارد آوردن فشارهای اقتصادی به ایران را روشن می‌کرد. به عبارتی، سخنرانی وی همان اهمیت سخنرانی مارتین ایندیک مشاور کلینتون در امور خاورمیانه را داشت. مارتین ایندیک در اوایل سال ۱۹۹۳ در سخنرانی خود در مرکز مطالعات واشینگتن سیاست مهار دوگانه را به عنوان سیاست رسمی کابینه کلینتون در قبال ایران اعلام کرد.

در گزارش حاضر، ابتدا سخنان خانم لیپسان و سپس اهم اظهارات گری سیک و ریچارد کاتم منعکس می‌شود.

اظهارات آلن لیپسان، مدیرکل امور آسیای شرقی و
خاور نزدیک در شورای امنیت ملی آمریکا

* موقع ایران

■ جای تعجب نیست اگر گفته شود که ایران چالش عمده‌ای برای کابینه کلینتون بوده است. ما امروزه همه از اهمیت ایران در منطقه خاورمیانه، پیچیدگی جامعه ایران، غنای سنت‌های فرهنگی ایران و همچنین تاریخچه پرپیچ و خم روابط ایران و آمریکا در سالهای اخیر آگاهیم. در یک و نیم دهه گذشته ایران و آمریکا در روابط خود مشکلات زیادی را سپری کرده‌اند. با این حال به اعتقاد ما وضعی که امروز با آن روبرو هستیم از اوضاع منطقه و از تلاشهای ما برای حفاظت از منافع حیاتی خود در آنجا نشأت می‌گیرد. در این جا به سه مطلب مشخص می‌پردازیم: تشریح وضع کنونی روابط دو کشور، تحلیل یا ارزیابی علل تصمیم اخیر کابینه کلینتون مبنی بر تشدید تحریم اقتصادی بر ضد ایران، و سرانجام مرحله انتقال از وضع موجود.

وضع فعلی روابط ایران و آمریکا

در تشریح وضع فعلی روابط دو کشور، اشاره به این نکته حائز اهمیت است که نظر آمریکا متوجه اعمال ایران است، نه ماهیت رژیمش و نه چیزی که از

ایران و آمریکا؛ نظری دیگر

(بخش دوم)

■ مجتبی امیری از نیویورک

تجاری، مالی، اعتباری و دادن خدمات مالی به ایران ممنوع می‌باشد؛ شرکت‌های آمریکایی نمی‌توانند از ایران نفت بخرند حتی اگر آن را مجدداً در بازارهای خارجی بفروشند؛ سرمایه‌گذاری‌های جدید توسط شرکت‌های آمریکایی در ایران ممنوع است؛ همچنین هیچ شهروند یا شرکت آمریکایی مجاز نیست مبادلات با ایران را از طریق نمایندگی خارجی اش تصویب یا تسهیل کند.

دستورالعمل رئیس‌جمهور شامل زیر مجموعه شرکت‌های آمریکایی در خارج از خاک آمریکا نمی‌شود؛ دولت ورود اطلاعات از ایران را ممنوع و سرمایه‌های ایرانی را بلوکه نکرده است و ارسال وجوه خصوصی به ایران و از ایران به آمریکا منعی ندارد. این بخشی از اقدامات ما در قبال ایران است نه تمام آن. ما تحریم کامل نکرده ایم.

فشار اقتصادی باید در چارچوب تلاش‌های سیاسی و دیپلماتیک مورد توجه قرار گیرد. ما سرسختانه و به صورت چندجانبه تلاش خواهیم کرد تا مطمئن شویم فروش تسلیحات، اعطاء اعتبار و کمک مالی به ایران ممنوع شود و از مساعدت نهادهای مالی بین‌المللی به ایران و همکاری آنها با ایران در زمینه تسلیحات هسته‌ای جلوگیری به عمل آید. ما تاکنون از حمایت بیشتر کشورهای صنعتی غربی برخوردار بوده ایم و همکاری کشورهای زیادی را انتظار داریم.

در آغاز، تلاش ما در چارچوب گروه ۷ بود، ولی در سال گذشته دامنه تلاش‌های دیپلماتیک خود را به کشورهای چون روسیه و چین و دیگر کشورهای که بالقوه تأمین کنندگان تکنولوژی پیشرفته برای ایران هستند گسترش دادیم.

در تابستان گذشته کلینتون و یلتسین موافقت کردند فروش تسلیحاتی آتی به ایران را متوقف کنند. از این گونه موافقتها با دیگر کشورهای طرف معامله با ایران نیز به عمل خواهد آمد.

ما درباره ایران با دوستان عمده خود هم در غرب و هم در خاورمیانه مذاکرات سیاسی انجام می‌دهیم. این نوع مذاکرات فی‌نفسه برای ایران فشار محسوب می‌شود. ایران به خوبی از این گفتگوها و تبادل اطلاعات ما با دوستانمان درباره رفتار ایران آگاه است. در این زمینه با کشورهای چون کانادا، ژاپن، روسیه و جامعه اروپا و اغلب متحدان خود در خاورمیانه مذاکره کرده ایم.

ما در گفتگوهای خود برخورد با ایران و فشارهای اقتصادی بر ضد این کشور و همچنین سیاست متحدان خود را بررسی می‌کنیم. برخی از دوستانمان گفتگوی جدی با ایران را ترجیح می‌دهند. این روشی است که جامعه اروپا اتخاذ کرده است. برخی نیز برخورد سازنده را می‌پسندند. این سیاستی است که ژاپنی‌ها در پیش گرفته‌اند. برخی نیز در قبال ایران رویه دیگری اتخاذ کرده‌اند. درست است که همچنان برخی اختلاف نظرها درباره بهترین روش برخورد با ایران وجود دارد، ولی معتقدیم که اقدامات اخیر رئیس‌جمهور بسیار مورد توجه متحدان آمریکا قرار گرفته و پویایی تازه‌ای در زمینه گفتگوها درباره این موضوع مهم ایجاد خواهد کرد.

ما ملاحظات خود را درباره تهدید درازمدتی که ایران می‌تواند ایجاد کند با متحدان در میان می‌گذاریم. اگر ایران بتواند در تحقق اهداف نظامی هسته‌ای و غیر هسته‌ای خود موفق شود، تهدیدی خواهد بود برای خلیج فارس و کل منطقه. معتقدیم که متحدان خاورمیانه‌ای ما بویژه حضور نظامی

آن به عنوان نظام اسلامی نام برده می‌شود. به دیگر سخن، رفتارهای خاصی از رژیم ایران مورد نظر ماست. نخستین و مهمترین آنها دخالت ایران در تروریسم بویژه تضعیف فرآیند صلح خاورمیانه و دیگر تلاش آن برای دسترسی به تسلیحات ویژه کشتار جمعی است. بعلاوه، کوشش ایرانیان برای براندازی دولت‌های دوست ما در منطقه و عملکردشان در زمینه حقوق بشر مورد توجه خاص ماست؛ تلاش آنها برای افزایش توان غیر هسته‌ای خود نیز چنانچه تشخیص داده شود برای دولت‌های کوچک و دوست آمریکا در خلیج فارس تهدید کننده است، می‌تواند نگران کننده باشد.

تهدیدهای درازمدت ناشی از ایران

نه تنها رفتار فعلی ایران بلکه چالش‌های درازمدت این کشور نیز در کانون توجه ماست؛ یعنی توان و قابلیت‌هایی که ایران در صورت تحقق آرمانهایش بویژه در زمینه تسلیحاتی می‌تواند کسب کند. البته نمی‌خواهیم بگوئیم که ایران امروزه يك تهدید عمده نظامی برای ایالات متحده به شمار می‌رود، بلکه می‌کوشیم از تبدیل شدن ایران به تهدید نظامی بر ضد آمریکا جلوگیری کنیم.

ما بلندپروازیها و نیات ایران را در مد نظر داریم، نه قابلیت‌های نظامی کنونی ایران را.

لذا، سیاست امروز آمریکا در قبال ایران از يك سو متوجه رفتار فعلی ایران است و از سوی دیگر تدوین يك استراتژی که سعی می‌کند آینده ایران را که در هر حال يك بازیگر نیرومند و اجتناب‌ناپذیر در منطقه خواهد بود، پیش‌بینی کند.

با ایران چه خواهیم کرد؟

رویکرد ما در قبال ایران ترکیبی است از اعمال فشار و اقدامات دیگر. ما سعی داریم به رهبران ایران فرصت بدهیم که تصمیمی استراتژیک اتخاذ کنند. آنان می‌توانند سیاست‌های خود را در خدمت به منافع ایران تغییر دهند. به اعتقاد ما رشد اقتصادی و ثبات سیاسی از جمله منافع اساسی آنهاست. تصور ما بر این است که دولت ایران از فرصت تطبیق رفتار خود با ضوابط بین‌المللی برخوردار است.

در زمینه گفتگو سیاست ما تغییر نکرده است. ما هنوز خواهان گفتگو با نمایندگان معتبر دولت ایران هستیم و معتقدیم که فشار و گفتگو می‌تواند در کنار هم باشد. برپایه قواعد دیپلماسی می‌توان هم اعمال فشار کرد و هم گفتگو.

تاکتیک فشار آوردن به ایران

سیاست مهار دوگانه که در آغاز کابینه کلینتون درباره ایران و عراق مطرح شد، شامل يك رشته اقدامات جامع يك جانبه و يك سلسله تلاش‌های چندجانبه بود. تا این اواخر تحریم اقتصادی ما بر ضد ایران شامل اقلام نظامی، تکنولوژی دو منظوره، منع کامل ورود کالاهای ایرانی به آمریکا و کنترل صدور برخی اقلام به ایران بود، در کنار تلاش دیپلماتیک برای جلوگیری از اعطاء کمک‌های مالی از سوی همه نهادهای بین‌المللی به این کشور.

دستورالعمل رئیس‌جمهور درباره تحریم اقتصادی ایران نتیجه چهار تا پنج ماه مذاکره در کابینه بود. این دستورالعمل سیاست ما در قبال ایران را تشدید یا تکمیل می‌کند. رئیس‌جمهور اعلام کرد که از این پس کلیه معاملات

آمریکا در خلیج فارس را که اخیراً در پاسخ به تجاوز عراق صورت گرفت، بعنوان پیام بازدارندگی به ایران مفید می بینند.

چرا کابینه کلینتون سیاست خود را در قبال ایران تغییر داد؟

آغاز نیمه دوم دوران ریاست جمهوری کلینتون فرصت مناسبی بود برای ارزیابی و بررسی نقاط ضعف و قوت سیاست کابینه در قبال ایران. ما بررسی کردیم که نتیجه سیاست آمریکا چه بوده و چه اندازه رفتار ایران را تغییر داده است. در حالی که در برخی زمینه‌ها رفتار ایران کم و بیش مانند گذشته است ولی فکر می کنیم در موارد خاصی بدتر شده است. بویژه افزایش عملیات تروریستی بر ضد روند صلح خاورمیانه که از پاییز ۱۹۹۴ آغاز شده است، دارای برخی ارتباطات با ایران می باشد. این عمل برای یکی از اهداف اصلی ما نه تنها در منطقه بلکه در جهان، یعنی تحقق صلحی جامع میان اسرائیل و همسایگانش، نگران کننده است.

ما همچنین نشانه‌هایی از ادامه و تشدید تلاشهای ایران برای دسترسی به اقلام و تکنولوژی مورد نیاز برنامه تسلیحات کشتار جمعی مشاهده کرده ایم. لذا، به اعتقاد ما در واقع، وضع ایران در این دو زمینه کلیدی بدترتر شده بود و لذا سیاست‌های جدیدی برای برخورد با آن لازم می آمد.

عامل دوم در تغییر سیاست در قبال ایران، چالشهای فزاینده متحدان ما بود. آنها سیاست مهار دوگانه و ادامه تجارت ما با ایران را ناسازگار می دیدند. این مسأله که با آمارهای گمراه کننده نیز همراه بود، برای تلاشهایی ما به منظور ایجاد اجماع نظر در میان متحدان درباره ایران مضر بود. قویا احساس می کردیم که ایران تا حد امکان باید از طرف دیگر شرکای تجاری غربی خود نیز تحت فشار قرار گیرد.

عامل سوم اینکه، اخیراً فرسایشی در اجماع موجود در داخل کشور پیرامون سیاست خود در قبال ایران مشاهده می کردیم. گفتگوهای در کنگره درباره ضرورت اعمال سیاست محکم تر در قبال ایران به راه افتاده بود. ما در سیاست مهار ایران از حمایت زیاد داخلی برخوردار و به ادامه آن نیز علاقمند بودیم، اما بحث‌های بی نتیجه در این مورد که آیا سیاست ما در برابر ایران به قدر کافی مؤثر است یا نه، در حقیقت تأثیر پیام ما به ایران را محدود می کرد.

از این رو، کابینه سیاست خود در قبال ایران را در ارگانهای مختلف مورد بازبینی قرار داد. سعی کردیم ملاحظات پیچیده و مشکل را سبک سنگین کنیم؛ از خود پرسیدیم چگونه اقدامات و تحریم‌های جدید اقتصادی رفتار ایران را تغییر خواهد داد؛ آیا تأثیر آنها بر مردم خواهد بود یا دولت؛ در توان رقابتی و امور بازرگانی آمریکا چه آثاری خواهد داشت؛ و بالاخره آیا در تصمیم متحدانمان برای همکاری و هماهنگ کردن سیاست‌هایشان با ما مؤثر خواهد افتاد یا نه.

مرحله بعدی سیاست آمریکا در قبال ایران

درباره امکان موفقیت سریع دستورالعمل اخیر رئیس جمهور در مورد ایران قصد مبالغه نداریم. تصور نمی کنیم که ایران يك شبه تغییر سیاست‌های خود را اعلام کند، ولی از هم اکنون علائم مهمی می بینیم. می دانیم که دستورالعمل رئیس جمهور در ایران مؤثر بوده است. بعد از این دستورالعمل ارزش ریال به شدت سقوط کرد. رفسنجانی در رسانه‌های برجسته آمریکا مسائل خود را مطرح کرد و اساساً همه چیز از جمله مشارکت در تروریسم و تلاش برای تهیه جنگ افزارهای هسته‌ای و... را منکر شد. این حرکت تا حدود

زیادی توجه دولت ایران درباره بازتاب رفتارهایش را نشان می دهد.

به اعتقاد ما این مسأله يك روند درازمدت است و مستلزم برخورد دیپلماتیک و کار پیگیر می باشد؛ همچنین می دانیم که در این زمینه قطعاً باید صدماتی را متحمل شویم. باید موفقیت‌های خود را در این مسیر به دقت ارزیابی کنیم. مطالعه خواهیم کرد که آیا ایران نیاز دارد درباره رابطه میان خواست‌های اقتصادی و رفتار سیاسی اش بیشتر بیندیشد یا نه؛ آیا متحدان ما اکنون قاطعیت در قبال ایران را می پذیرند و به ما ملحق می شوند و اقدامات مشابهی به عمل می آورند یا نه؟ واقعاً امیدواریم که در دادن کمک و وام به ایران محدودیت بیشتری ایجاد کنند.

اقدامات آمریکا برای جلب حمایت هم‌پیمانان

کابینه، برای جلب حمایت متحدان در زمینه اعمال فشار به ایران دست به اقدامات مختلفی زده و از لحاظ دیپلماتیک تلاشهای زیادی صورت داده است. بعلاوه، در گفتگوهای دوجانبه با دوستانمان تقریباً همیشه مسأله ایران مطرح می شود و اطلاعات خود درباره تلاشهای تروریستی ایران را با آنها در میان می گذاریم. برخی کشورها اظهار می کنند این اطلاعات برای تصمیم‌گیری آنها در قبال ایران بسیار حیاتی است البته نمی دانیم آیا حرفها را به عنوان ژست سیاسی می زنند یا واقعاً به آن معتقدند. به هر روی ما همچنان سعی داریم اطلاعات بیشتری در مورد رفتار ایران به دوستانمان بدهیم و امیدواریم در سیاست‌های خود باز بازنگری کنند.

پایان سخن

ما سناریوی دقیقی درباره ایران نداریم و معتقدیم ایران دارای وضع سیاسی داخلی پیچیده‌ای دارد. گروه‌های فشار زیادی در ایران هستند. وضع اقتصادی تا اندازه زیادی در سیاست‌های دولت مؤثر است. نمی توانیم روشن کنیم که ایران چه سیاست‌هایی برای برخورد با دنیای خارج اتخاذ خواهد کرد. لذا معتقدیم که دولت ایران می تواند رفتارش را تعدیل کند؛ البته چنانچه اتفاقات دیگری پیش نیاید.

ما این تحلیل را باور نداریم که رژیم ایران در آستانه سقوط قرار دارد. فکر می کنیم فشارهای داخلی زیادی هست ولی آلترناتیوروشنی برای رژیم در این زمان وجود ندارد.

ایران باید از آن زمان نگران باشد که صلح اعراب و اسرائیل تحقق پذیرفته و بازار اقتصادی وسیعی در منطقه فراهم گردیده و ایران در آن جانی ندارد. ایران بالقوه یکی از بازیگران عمده اقتصادی منطقه است.

اظهارات گری سیک

■ گری سیک، دومین سخنران جلسه، در دوران ریاست جمهوری کارتر مسئول امور ایران در شورای امنیت ملی آمریکا بوده و در حال حاضر استاد دانشگاه کلمبیا می باشد. اهم اظهارات گری سیک به شرح زیر است:
با بسیاری از نکات مورد اشاره خانم آلن موافقم ولی با روشی که کابینه در قبال ایران در پیش گرفته است، مخالفم. عملکرد ایران در رابطه با حقوق بشر، رشدی، و مخالفت ایران با روند مذاکرات صلح خاورمیانه به صورت دادن کمک مالی و آموزشهای نظامی به گروههای مخالف صلح خاورمیانه،

ایران را سرنگون کند، خواب و خیالی بیش نیست. مشکلات ایران ناشی از سوء مدیریت است. در سال جاری يك سوم درآمد نفتی ایران صرف اقلام مصرفی شده که بعد از خاتمه جنگ به آن کشور سرازیر گردیده است.

ایرانیها از وضع اقتصادی خود ناراضی هستند و هیچ اکراهی هم از بیان این مطلب ندارند. تغییراتی به وجود خواهد آمد، اما به صورت رفورم خواهد بود، نه سقوط یا سرنگونی رژیم. هیچ جایگزین قابلی در حال حاضر برای رژیم فعلی ایران وجود ندارد. ممکن است ما این رژیم را دوست نداشته باشیم ولی باید با هم زندگی کنیم.

سیاست ما در خراب کردن ایران در برخی زمینه‌ها به اعتبارمان لطمه زده است. برای مثال، در گزارش سال ۱۹۹۴، وزارت امور خارجه ایران به عنوان فعالترین بانی تروریسم در جهان معرفی شده است ولی در طول گزارش هیچ مدرکی ارائه نشده است. وقتی کریستوفر در این اواخر اعلام کرد که ایران مسئول بمب‌گذاری در مرکز یهودیان در آرژانتین است، بلافاصله وزیر امور خارجه آرژانتین با ارسال نامه‌ای به کریستوفر درخواست سند کرد و همزمان نیز به خبرنگاران گفت که هیچ اطلاع جدیدی را انتظار ندارد.

گزارش می‌شود که ایالات متحده مبلغ ۴ میلیون دلار برای تبلیغات بر ضد ایران هزینه می‌کند.

مسئله تسلیحات هسته‌ای نیز روشن است. ما نمی‌خواهیم ایران به جنگ افزارهای هسته‌ای دسترسی داشته باشد. ممکن است همه ما خواهان نابودی تمام زیرساختهای هسته‌ای ایران باشیم ولی ایران تمام مقررات پیمان منع گسترش سلاحهای هسته‌ای را رعایت می‌کند. نیروگاه هسته‌ای که ایران در حال خرید آن از روسیه است هیچ تفاوتی با آنچه به کره می‌دهیم ندارد. تصور می‌کنم یکی از دلایل تلاش ایران برای دسترسی به نیروگاه هسته‌ای، در واقع بخشی از تلاش آن کشور برای توسعه زیرساختی است که به او امکان تولید سلاح هسته‌ای را می‌دهد. ایران هشت سال در جنگ خونین با عراق بوده است. صدام در آن زمان در آستانه دسترسی به سلاح هسته‌ای بود.

در قبال ایران چه سیاستی باید اتخاذ شود

به اعتقاد من يك سیاست معقول در قبال ایران باید در پی تحقق اهداف زیر باشد:

- * ما و متحدانمان و تمام تولیدکنندگان اقلام هسته‌ای باید ایران را متقاعد کنیم از تلاش برای دسترسی به تکنولوژی‌هایی که در ارتباط مستقیم با سوخت تسلیحات، بویژه اورانیوم غنی شده و تکنولوژی سنترافیوژ است اجتناب کند. بدین منظور باید روسیه را تحت فشار قرار دهیم که به دستورالعمل‌های پیمان منع گسترش سلاحهای هسته‌ای پایبند باشد.
- * هرگونه آموزش ایرانی‌ها باید به راه اندازی راکتور هسته‌ای محدود شود نه دسترسی به تکنولوژی.

- * باید تأکید کنیم که مواد سوخت شده در راکتور عودت داده شود.
- * باید از ایران بپذیریم که اجازه می‌دهد نمایندگان آژانس انرژی هسته‌ای مرتباً از تأسیسات هسته‌ای ایران بازدید کنند.

چارچوب روابط ایران و آمریکا

- * آمریکا باید از جنگ لفظی بر ضد ایران بکاهد. ما نیاز به کاربرد واژه‌هایی چون متمرّد، یاغی و غیره نداریم.

قابل قبول نیست. توسعه قابلیت‌های نظامی ایران فراتر از نیازهای مشروع دفاعی است و بالقوه برای همسایگانش تهدید به شمار می‌رود؛ هم بی‌ثبات کننده است و هم ناسالم. هیچ کس نه در واشینگتن و نه در کشورهای دیگر نمی‌خواهد ببیند که ایران به سلاح هسته‌ای مسلح شده است. اما مسأله این است که چگونه باید به این اهداف برسیم. من با سیاست‌های کابینه در قبال ایران سخت مخالفم. معتقدم که در سیاست خارجی باید دو آزمایش مد نظر قرار بگیرد. آیا فرآیند واقع بینانه‌ای مبنی بر تحقق اهداف مفروض وجود دارد یا نه؛ آیا صدمات سیاست مورد نظر بیشتر است یا منافع آن؟

تحریم اقتصادی همیشه مشکل‌زا بوده است. در مورد عراق ما از اتحاد جامعه بین‌المللی برخورداریم. اما تحریم يك جانبه کارگر نیست. آمریکا ابرقدرت جهان است ولی نمی‌تواند خواسته‌هایش درباره ایران را بدون حمایت دیگر کشورها که با ایران دارای روابط سیاسی و اقتصادی هستند، انجام دهد. در هر حال، دو کشور در جهان فکر می‌کنند که استراتژی تحریم ایران، خوب است: ایالات متحده و اسرائیل. البته اگر بخواهیم از بکستان را هم می‌توانیم به این فهرست اضافه کنیم. ولی هیچ يك از شرکای تجاری اصلی ایران برای پیوستن به تحریم اقتصادی اظهار تمایل نکرده‌اند. این امر برای آمریکا تعجب‌آور نیست زیرا دولت آمریکا قبل از صدور دستورالعملی با هیچ دولتی مشورت نکرد. گرچه این نوعی جنگ اقتصادی است ولی آن را در شورای امنیت سازمان ملل متحد عنوان نکردیم زیرا می‌دانستیم موضع ما مقبول نخواهد افتاد.

می‌دانیم که دیگر کشورها از ما پیروی نخواهند کرد. گرچه خرید نفت از ایران را تحریم کرده ایم ولی واقعاً نمی‌خواهیم صادرات ۲/۶ میلیون بشکه نفت ایران به بازار جهانی متوقف شود. این امر در صورت وقوع سبب بروز هرج و مرج در بازار نفت جهانی و افزایش بسیار زیاد قیمت نفت خواهد شد. بهای واقعی نفت برای ژاپن به علت کاهش ارزش دلار در برابرین به میزان ۷۰ درصد سقوط کرد و این مسأله برای ایران نیز تأثیر واقعی دارد. یکی از ضعف‌های سیاست ما وجود عدم تناسب است. در تشدید سیاست تحریم اقتصادی خود بر ضد ایران روندی را اتخاذ کردیم که در مورد اتحاد جماهیر شوروی در پیش نگرفته بودیم. در آن زمان شوروی يك تهدید واقعی برای امنیت ملی ما در دوران جنگ سرد محسوب می‌شد. در این زمینه به چند مثال اشاره می‌کنم.

کمپانی کوکاکولا چند سال پیش به نحوی توانست خود را وارد بازار ایران کند و چهره جدیدی از شیطان بزرگ در این کشور بنماید. عده‌ای نیز کوشیدند با دریافت فتوا از رهبر ایران آن را تحریم کنند ولی موفق نشدند ولی امروز کلینتون با فتوای خود می‌تواند انقلابیون تندرو را موفق سازد. برخی از شرکتهای آمریکایی از حضور در نمایشگاه کتاب ایران اجتناب کردند. فدرال اکسپرس و یونایتد پارسال سرویس خدمات خود به ایران را متوقف ساخته‌اند.

مضافاً اینکه سیاست ما بر برخی مبانی غلط استوار است. وارن کریستوفر اخیراً در مصاحبه‌ای اعلام کرده بود که آمریکا باید ایران و عراق را تا تغییر دولتهایشان منزوی کند. این اظهارات شبیه سخنان چند سال پیش وزیر دفاع وقت و اینبرگر است که می‌گفت آمریکا خواهان دولتی کاملاً متفاوت است زیرا نمی‌تواند با دولت متعصب ایران مراد داشته باشد.

این نوع اظهارات با رفتار و واقعیت سیاست آمریکا تطبیق نمی‌کند. سیاست ما مشکلاتی برای زندگی ایران به وجود می‌آورد ولی تصور اینکه سیاستهای ما می‌تواند از طریق ایجاد ورشکستگی اقتصادی، دولت اسلامی

تونی کوردزمن از مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی CSIS و شائول بخاش استاد دانشگاه جرج میسون بودند.

* باید نوعی استراتژی تدوین کنیم که متحدانمان را نیز در برگیرد و با آنها کار کنیم؛ به جای آنکه آنها را با تطمیع و... واداریم منافع مشروع خود را نادیده بگیرند.

* اگر در برخی از جنبه‌های رفتار ایران بهبودی می‌بینیم، به آن اذعان کنیم و از این کار نگران نباشیم.

۱- اظهارات اریک رولو روزنامه‌نگار و دیپلمات اسبق فرانسوی

رولو طی بیانات نسبتاً مبسوط خویش کوشید با استفاده از تجربیات و مشاهدات عینی خود که حاصل چند سفر محققانه به ایران بوده تصویری واقع‌بینانه و منصفانه از اوضاع و تحولات ایران، بعد از انقلاب و مخصوصاً از دگرگونی‌های عمیقی که به زعم او در خلال چند سال اخیر در کشور به وجود آمده، ارائه کند. از جمله نکات قابل توجه در مورد سخنرانی وی این بود که نامبرده بی‌پروا و بدون ملاحظه حضور عناصر یهودی و وابسته به سازمانهای منسجم و ذینفوذ یهودی آمریکا تحلیل خود را همراه با انتقاد شدید از دولت کلینتون و تبلیغات و طرحهای توطئه‌آمیز یهودیان بر ضد جمهوری اسلامی ایران عرضه کرد. وی تلویحاً سیاستهای دولت کلینتون در برابر ایران را ترجمان طرحهای خدعه‌آمیز اسرائیل و یهودیان طرفدار دولت صهیونیستی دانست و سیاستهای حساب شده صهیونیستها بر ضد حکومت اسلامی ایران را با ذکر مثالهایی آشکار برملا ساخت.

اریک رولو سیر تحولات مثبت در ایران پس از انقلاب را با استناد به مشاهدات شخصی طی چند سفر و تماس با روشنفکران و اقشار دیگر مردم مورد بررسی قرار داد و روند این تحولات را کلا امیدوار کننده توصیف کرد. وی در این زمینه یادآور شد که:

در نخستین سفری که پس از انقلاب در ۱۹۸۱ داشتم اوضاع ایران را بسیار پریشان و بسته دیدم. در آن زمان هیچ فرد دانشگاهی یا روزنامه‌نگار و روشنفکر حاضر به مصاحبه با من برای طرح مسایل ایران نبود. در دومین دیدار نیز که به قصد مذاکره درباره گروگانهای فرانسوی صورت گرفت تجربه خوبی از اوضاع ایران نداشتم. در این دیدار که در سال ۱۹۸۶ اتفاق افتاد، باز عناصر روشنفکر دانشگاهی و غیر دانشگاهی حاضر به مصاحبه نبودند زیرا هنوز از برملا شدن نام خود واهمه داشتند.

ولی در سفر اخیر تجربه بسیار جالبی داشتم و در واقع این دیدار برایم شگفت‌انگیز بود. هدفم بررسی چگونگی «جامعه مدنی» در ایران بود. به همین خاطر می‌بایست با روزنامه‌نگاران، اساتید دانشگاه، نویسندگان و کلا روشنفکران گفتگو کنم. در کمال تعجب دریافتم که برخلاف دیدارهای قبلی، عناصر فوق‌الذکر به جای طفره رفتن از مصاحبه یا فرار کردن و دوری جستن از من مشتاقانه به استقبال می‌آیند و حتی عده‌ای با کمال علاقه مرا به شام دعوت می‌کنند. این عده عمدتاً نویسنده یا از صاحبان بنگاه‌های انتشاراتی بودند. تقریباً با ۶۰ تن از این روشنفکران شخصاً مصاحبه کردم و متوجه شدم که همگی آنها نظیر دکتر عبدالکریم سروش نظرات خود را آزادانه بیان می‌کنند.

نزدیک به ۶۰ گروه و سازمان غیر دولتی زنان سرگرم فعالیت شدید برای دفاع از حقوق و شرایط زندگی زنان کشور می‌باشند. به نظر رولو به طور کلی موج جدیدی از تحولات پی‌درپی سراسر ایران را فرا گرفته و عناصر و گروه‌های مختلف فعال در کشور آزادانه نظرات انتقادآمیز خویش را برای اصلاح امور ابراز می‌کنند، هرچند که نهاد ولایت فقیه از

اظهارات ریچارد کاتم

سومین سخنران کنفرانس، ریچارد کاتم بود. وی مدتها پیش برای دو سال در سفارت آمریکا در تهران فعالیت می‌کرده و کتاب ناسیونالیسم در ایران نوشته اوست. کاتم در حال حاضر استاد دانشگاه پیتزبرگ است. کاتم مدعی شد که بعد از گذشت پانزده سال از عمر انقلاب اسلامی ایران تغییراتی بسیار بنیادی رخ داده است..

او افزود عمده‌ترین ناکامی رژیم ایران جذب بخش بزرگی از طبقه روشنفکران جامعه است. کاتم در ادامه اظهاراتش به تشریح دیدگاه روشنفکران جامعه پرداخت و به مخالفت آنان با سیاست‌های اخیر آمریکا در قبال ایران اشاره کرد.

به اعتقاد کاتم هدف رژیم ایران در حال حاضر ورود به نظام اقتصاد جهانی است. اگر ایران بتواند جایگاه مناسبی در نظام اقتصاد جهانی به دست آورد آنگاه می‌تواند وضع خوبی برای نفت خود فراهم کند. این امر برای بقای رژیم بسیار حیاتی است و هدف درجه یک سیاست خارجی ایران می‌باشد.

کاتم همچنین به کمک‌های ایران به جوامع محروم شیعه در لبنان، عراق، بوسنی و فلسطین اشاره کرد و گفت رژیم ایران کمک به این جوامع را کمک به فعالیت‌های تروریستی نمی‌داند. بعلاوه، موضع ایران در قبال صلح اعراب و اسرائیل نیز بی‌معنا نیست. آنها معتقدند روند مذاکرات به نفع اسرائیل است و مذاکراتی که توسط آمریکا اجرا می‌شود نمی‌تواند منافع فلسطینی‌ها را تضمین کند.

کاتم در پایان اظهار داشت که آمریکا نیات ایران و به طور جدی تر روند تغییرات بنیادی در ایران را که در جهت اهداف آمریکا نیز هست درک نمی‌کند. سیاست اخیر آمریکا مالا ممکن است ناسیونالیسم ضد آمریکایی دوران شاه را دوباره در ایران زنده کند.

د: بررسی مسایل ایران در مرکز تحقیقاتی وودرو ویلسون در واشینگتن

روز پنجشنبه ۲۵ خرداد ۱۳۷۴ یک جلسه دو ساعته در مرکز تحقیقاتی وودرو ویلسون برای بررسی مسایل ایران برگزار شد. در این جلسه که نزدیک به ۲۰۰ نفر از متخصصان و صاحب‌نظران مسایل ایران و خاورمیانه و تعداد قابل توجهی از نمایندگان جراید و بنگاه‌های انتشاراتی، استادان دانشگاه و علاقمندان به مسایل ایران و خاورمیانه حضور داشتند، سه نفر سخنرانی کردند. اولین سخنران جلسه اریک رولو روزنامه‌نگار و دیپلمات سابق فرانسوی و سخنران بعدی

سخنرانی خود اضافه کرد که بهتر است دولت کلینتون به جای اتخاذ سیاستهای خصمانه و تهدیدآمیز، از ابزارهای دیپلماتیک استفاده کند.

اریک رولو در خاتمه جلسه در پاسخ به چند سؤال درباره وجود آزادی در ایران، رابطه جمهوری اسلامی با آمریکا و غرب و نیز نقش تبلیغات یهودیان بر جریانهای سیاستگذاری دولت کلینتون در قبال ایران مطالبی بیان کرد.

سخنران درباره رابطه نسل جوان و مردم با دولت گفت امروز در ایران هیچ کس و هیچ گروهی مایل به نشان دادن مقاومت جدی در برابر رژیم نیست، یعنی کسی خواهان تغییر رژیم اسلامی نمی باشد بلکه همگان معتقد به اصلاح حکومت هستند. بیشتر روشنفکران کشور اعتقاد به مذاکره برای حل مسایل ایران دارند و حتی مخالفان رژیم از آزادی تریبونها برای ابراز عقاید و ارائه طرحها و مذاکره با دست اندرکاران برای اصلاح امور سخن می گویند زیرا اکنون بر این باورند که اوضاع کشور واقعا دستخوش تغییرات اساسی شده و از طریق مذاکره می شود اوضاع را بهتر کرد. مضافاً اینکه هیچ الטרناٹیو دیگری برای رژیم وجود ندارد. اگر از مجاهدین بعنوان الטרناٹیو سخنی گفته شود، این يك اشتباه بزرگ و ناشی از بی اطلاعی است، زیرا مجاهدین اصلاً جانی در ایران ندارند و فقط در خارج تبلیغ می کنند و عده ای هم آن را باور کرده اند.

مردم در داخل شدیداً از این سازمان نفرت دارند زیرا اولاً در خاک دشمن مستقرند و در جنگ ۸ ساله بر ضد مردم وطن خویش با دشمن همدست و همدستان بوده اند و ثانیاً در اوایل انقلاب با دست زدن به يك سلسله اعمال تروریستی عملاً يك جنگ محدود داخلی به راه انداخته بودند. لذا مردم ایران هیچ علاقه ای به این سازمان ندارند.

از طرفی اکثر مردم و رهبران خواهان بهبود روابط با غرب هستند و سیاستهای جاری نظام تهران در این زمینه توجه مردم و مخصوصاً روشنفکران را به خود جلب کرده است. معدود تظاهراتی هم که توسط يك جریان خاص هدایت می شود قادر به سرنگونی نظام نیست زیرا دولت فعلی به اندازه کافی نیرومند است و دارای دستگاه قدرتمند امنیتی و پلیسی می باشد.

رولو در بخشی از اظهارات خویش درباره قدرت رژیم اسلامی متذکر شد که نظام حاکم فعلی يك نظام چند سر و پا برجاست. شخص رئیس جمهور فرد مقتدر و متنفذی است که به هیچ وجه خود را رهبر روحانی جهان اسلام نمی داند ولی با ولایت فقیه کاملاً موافق است. اریک رولو در پاسخ به سؤال مربوط به روابط ایران و آمریکا و دلایل سختگیری دولت کلینتون گفت ایران در واقع بارها حسن نیت نشان داده که قرارداد اخیر با شرکت کانکو از تازه ترین آنها بود ولی دولت آمریکا تحت تأثیر تبلیغات یهودیان در برابر قرارداد کانکو موضع گرفت و در موارد دیگر نیز به همین گونه تحت تأثیر بوده است. برای نمونه، دو یا سه روز بعد از اعلام انعقاد قرارداد بین دولت ایران و کمپانی کانکو، ناگهان سرویس اطلاعاتی اسرائیل کشف کرد که جمهوری اسلامی ایران تا ۳ سال دیگر به تکنولوژی تولید سلاح اتمی دست خواهد یافت و این کشف جدید به گونه ای در جراید آمریکا رسوخ داده شد تا روی آن تبلیغ و هیاهو شود؛ حال آنکه ۲۵ روز قبل از اعلام انعقاد قرارداد مذکور، اسحاق رابین در جریان دیدار «ویلیام پری» وزیر دفاع آمریکا از اسرائیل اعلام کرده بود که براساس ارزیابی سرویس اطلاعاتی آن کشور، ایران بین ۱۰ تا ۱۵ سال دیگر به سلاح اتمی دست خواهد یافت!! هنوز روشن نشده است که

این نوع انتقادات مستثنی است.

رولو برای نشان دادن نمونه هایی از جریانات تحول آمیز ایران در مسیر آزادی و رشد «جامعه مدنی» به موضعگیری بعضی از عناصر و مجموعه هایی که وی آنها را رادیکال توصیف نمود اشاره کرد و گفت چنین عناصر و گروههایی برخلاف مواضع گذشته خویش، اکنون از آزادیهای سیاسی و اقتصادی سخن می گویند.

به نظر اریک رولو تأکیدات اخیر روشنفکران رادیکال و مقامات کشور به آزادیهای اقتصادی و سیاسی ناشی از عوارض جنگ فاجعه آمیز ۸ ساله با عراق می باشد. به قول یکی از روشنفکران ایرانی، درگیر و دار جنگ ۸ ساله تعداد زیادی از بازاریها و حتی برخی از مقامات کشور با سوء استفاده از فرصتهای موجود صاحب ثروتهای کلانی شدند و به فساد و نابسامانی اقتصادی کمک کردند.

از دیگر دلایل توجه اخیر رهبران و مسئولان کشور به مسئله آزادیهای اقتصادی و سیاسی همانا پدید آمدن تنگناهای اقتصادی و برخی مشکلات اجتماعی است.

سخنران در ادامه اظهارات خود افزود که دخالتهای آمریکا از جمله جلوگیری از اعطای کمک های اعتباری دیگر کشورها و مؤسسات اعتباری به ایران باعث فشار زیاد بر ایران گردیده است. ولی علیرغم عوامل فوق الذکر، عده ای پیکان حمله و انتقاد خویش را به طرف مقامات دولتی گرفته و آنان را مسئول گرفتاریها و مشکلات ایران می شناسند. در این میان آنچه که قابل توجه است موضعگیری نسل جوان کشور می باشد که خواسته های خود را بی محابا ابراز می دارد. روزنامه هایی که مشکلات مبتلا به کشور را واقع بینانه طرح و بررسی و مواضع انتقادی افراد را منعکس می کنند، طرفداران زیادی در میان مردم پیدا کرده اند.

به نظر اریک رولو، سیاست حساب شده دولت حجت الاسلام رفسنجانی مبنی بر فراهم ساختن زمینه های آزادی کنترل شده در آرام ساختن صلح آمیز اوضاع کشور بسیار مؤثر بوده است. سخنران در پاسخ به این پرسش که آیا آمریکا باید با ایران کنار بیاید گفت مسلماً برقراری رابطه مجدد با ایران به نفع آمریکا خواهد بود. آمریکا باید بداند که اعمال سیاست مهار دوگانه نسبت به ایران و عراق هرگز باعث منزوی شدن ایران نخواهد شد و رژیم تهران را نیز بی ثبات نخواهد کرد. مضافاً اینکه تحت فشار قرار دادن ایران، به رادیکالهای کشور کمک خواهد کرد.

رولو در بخشی دیگر از بیانات خویش ضمن هشدار دادن به دولت آمریکا، از «دورویی» دولت کلینتون شدیداً انتقاد کرد و یادآور شد که دولت مذکور در برخورد با ممالک مختلف معیارهای مختلفی به کار می گیرد. برای مثال، دولت کنونی آمریکا ایران را متهم به حمایت از تروریسم، عدم رعایت حقوق بشر و... می کند و بدین ترتیب سیاستهای خود بر ضد جمهوری اسلامی ایران را توجیه می کند حال آنکه با سوریه که یکی از عمده ترین حامیان گروههای تروریست می باشد رابطه دوستانه برقرار نموده و با چین و کره شمالی نیز که سابقه بدی در مورد حقوق بشر دارند روابط وسیع تجاری دارد. به نظر سخنران، سیاست های دولت کلینتون در اعمال فشار به ایران مورد حمایت هیچیک از متحدان آمریکا نیست و طرح تحریم ایران نیز که وی در اجتماع یهودیان اعلام کرده تنها از جانب دولت اسرائیل حمایت شده است. وی در پایان

واقعاً چه خاصیتی در قرارداد کانکو نهفته بوده که مدت ۱۵ سال ناگهان به سه سال تقلیل یافته و دستیابی ایران به تکنولوژی هسته‌ای را از لحاظ زمانی ۱۲ سال جلو انداخته است. پر واضح است که همه اینها برای اسرائیل مصرف داخلی دارد چون هم در این کشور و هم در آمریکا جنگ و رقابت‌های حزبی تشدید یافته و هر جناح سعی دارد با حمله بیشتر به ایران پایگاه داخلی خود را تقویت کند. اصلاً کسی نمی‌پرسد چرا بیل کلینتون به جای استفاده از دفتر کار خود در کاخ سفید و بیان مطلب از طریق تلویزیون یا کنفرانس مطبوعاتی، خبر تحریم تجارتي ایران را در اجتماع یهودیان آمریکا با گذاشتن يك كلاهك کوچک یهودی روی سر خود اعلام می‌کند؟ دلیلش کاملاً روشن است: الزامات و فشارهای مربوط به سیاست داخلی!

اریک رولو در پاسخ به سئوالات حاضران درباره برخورد‌های خارجی دولت ایران خاطر نشان ساخت که جمهوری اسلامی دارای روابط خوبی با همسایگان و مخصوصاً با روسیه است و دیگر اینکه برخلاف تبلیغاتی که می‌شود، ایران سیاست خارجی بسیار هوشیارانه و احتیاط‌آمیزی در قبال همسایگان خود در آسیای مرکزی، خلیج فارس و دیگران اتخاذ کرده است. رولو با اشاره به تماس‌های خود با رهبران چند کشور همسایه از جمله ترکیه و بحرین گفت که همگی معتقدند ایران روابط و سیاست بسیار خوب و دوستانه‌ای با آنها دارد.

رولو در مورد نقش ایران در جریان صلح اعراب و اسرائیل و نفوذ ایران بر جریان‌های رادیکال منطقه یادآور شد که مخالفت ایران با صلح بیشتر برای اذیت کردن آمریکاست و اظهارات بعضی از رهبران ایران حاکی از عدم مخالفت آنها با يك صلح عادلانه است. برای مثال، یکی از مقامات وزارت خارجه در تهران درباره امضای قرارداد صلح بین سوریه و اسرائیل گفت که اطمینان دارد سوریه قبل از پس گرفتن ارتفاعات جولان بیهوده به اسرائیل امتیازی نخواهد داد و لذا اگر پیش از امضای قرارداد صلح بتواند ارتفاعات فوق‌الذکر را پس بگیرد در این صورت به صلح شرافتمندانه‌ای دست یافته است. این توجه هوشیارانه مقام ایرانی حاکی از عدم مخالفت ایران با يك صلح اصولی بین اعراب و اسرائیل است.

رولو در پایان در خصوص اعمال نفوذ تهران بر جناح‌های رادیکال از جمله حزب... لبنان گفت که بین حزب... و تهران در حال حاضر رابطه خوبی وجود ندارد؛ یعنی حداقل بخشی از حزب... میانه خوبی با دولت ایران ندارد و بخش دیگر آن نیز از سوریه کمک می‌گیرد.

۲- سخنرانی تونی کوردزمن از مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی

کوردزمن برخلاف آنچه اکثر حاضران در جلسه انتظار داشتند سعی کرد موضع نسبتاً ملایمی در قبال جمهوری اسلامی ایران اتخاذ کند. وی ضمن اظهارات انتقادآمیز خود درباره برخی از سیاست‌های دولت ایران، و از جمله ضمن هشدار نسبت به تلاش‌های اولیاء امور کشور در جهت تقویت بنیه نظامی کشور و دستیابی به تکنولوژی تولید سلاح‌های هسته‌ای، از سیاست‌های نابجای دولت کلینتون و نقش سرویس‌های اطلاعاتی اسرائیل به شدت انتقاد کرد و آنها را در تضاد با منافع آمریکا دانست. لازم به ذکر است که اشارات انتقادآمیز وی نسبت به نفوذ

اعضای لابی یهودیان و طرفداران اسرائیل به صورتی تلویحی و طعنه‌آمیز صورت گرفت. به اعتقاد وی مواضع و اتهامات دولت آمریکا بر ضد ایران درباره تروریسم، عمدتاً تحت تأثیر سیاستها و تبلیغات اسرائیل و یهودیان طرفدار آن دولت در آمریکا می‌باشد زیرا تاکنون هیچ سند و مدرک متقاعد کننده‌ای در این زمینه از جانب دولت کلینتون عرضه نشده است.

نامبرده طی اظهارات خویش بر سه نکته تأکید ورزید: اول اینکه، اوضاع کنونی مخصوصاً بحران اقتصادی ایران ربطی به انقلاب ندارد، زیرا انقلاب اسلامی مانند انقلابات دیگر فی‌نفسه بد نبوده، لکن عناصر سخت‌گیر و اختناق‌آفرین که وی آنها را استالین‌ها و ناپلئون‌های پس از انقلاب توصیف نمود باعث خراب شدن اوضاع گردیده‌اند. نکته دیگری که کوردزمن بر آن انگشت گذاشت مربوط به مواضع نابجا و بی‌مورد دولت کلینتون در قبال جمهوری اسلامی ایران در زمینه تروریسم بود. به نظر کوردزمن اتهام دست داشتن تهران در اقدامات تروریستی در خاورمیانه و دیگر نقاط جهان تاکنون با ارائه هیچ سند و مدرک متقاعد کننده‌ای از سوی دولت آمریکا همراه نبوده و صرفاً جنبه شعاری و تبلیغاتی داشته است.

سخنران در ادامه اظهارات خویش ضمن بی‌اساس خواندن این اتهامات خاطر نشان ساخت که گزارش‌های زیادی درباره دخالت ایران در عملیات تروریستی به چشم می‌خورد که غالباً بسیار مبهم است و همراه با سند و مدرک روشنی نیست. برای مثال، پس از انفجار مرکز یهودیان در بوئنوس آیرس، دولت آمریکا فوراً ایران را متهم کرد ولی بعداً هیچ مدرک و نشانه‌ای از دست داشتن ایران مشاهده نشد. طی گفتگوها و تماس‌هایی که با اعضای کمیته اطلاعاتی آمریکا داشتم هیچ يك از آنان درباره دست داشتن ایران در اقدامات تروریستی مطمئن نبودند. در اوایل سال جاری نیز در بحرین با مقامات آن کشور در خصوص ناآرامی‌های اخیر گفتگو داشتم و مقامات بحرینی یادآور شدند که هیچ مدرکی دال بر نقش ایران نیافته‌اند. مقامات مصری نیز مداخله مستقیم جمهوری اسلامی در جریان‌های تروریستی در مصر را رد کردند ولی درباره مجاهدان افغانی و مداخله دولت اسلامی سودان در امور مصر مطمئن بودند. رهبران سازمان آزادیبخش فلسطین هم هرگونه نقش مستقیم ایران را در عملیات تروریستی مرتبط با فلسطینی‌ها در سرزمین‌های اشغالی را رد کردند. البته فعالیت‌های حزب... در لبنان بر ضد اسرائیل و حمایت ایران از این گروه، مسئله‌ای جدا از اقدامات گروه‌های تروریستی است.

کوردزمن آنگاه بعنوان سومین نکته مورد تأکید خود، به توان نظامی ایران و خطرات بالقوه آن پرداخت و ضمن طرح این موضوع که ایران برخلاف آنچه تبلیغ می‌شود توجه فوق‌العاده‌ای به تقویت بنیه نظامی خود ندارد گفت در برخورد با تلاش‌های رژیم تهران برای تقویت بنیه نظامی کشور بیش از اندازه اغراق می‌شود، بدون این که آمار و ارقام ارائه گردد. گرچه ایران از نظر نظامی دارای امکانات و فرصتهایی است، ولی در عین حال از لحاظ استراتژیک با محدودیتهایی روبروست. ایران در خلال هشت سال جنگ با عراق قسمت اعظم امکانات نظامی خود را از دست داد. گذشته از آن، سلاحها و امکانات نظامی شاه نیز چندان پیشرفته و مدرن نبود و این کشور در رژیم گذشته نیز فاقد موشکها و سیستم‌های پیشرفته الکترونیک بود و بخش بزرگی از این وسایل هم در جنگ با عراق نابود شد. به همین دلیل در ارزیابی توان نظامی ایران باید جانب احتیاط رعایت شود. با این همه، ایران به خاطر امکانات

می رفت سخن گفت و بعنوان يك محقق ایرانی، به جای تلاش برای کمک به رفع ابهامات و تبلیغات سوء بر ضد ایران که در نحوه برخورد دولت کلینتون با ایران مؤثر بوده، در واقع به صورتی دیگر اتهامات نسبت به دولت ایران را تأیید کرد.

وی برای نشان دادن تضادهای موجود در جمهوری اسلامی به برخوردهای دوگانه با مسئله حجاب و آنتن های تلویزیونی اشاره کرد و وجود اینگونه تضادها را ناشی از اختلافات جاری میان جناحهای مختلف در دولت ایران دانست. به ادعای بخاش، سیاستهای متضاد رژیم اسلامی ایران چه از نظر داخلی و چه خارجی همچنان ادامه خواهد یافت زیرا تضادهای موجود بین مسئولان از میان نخواهد رفت. وی در دنباله اظهارات خود یادآور شد درحالیکه برخی از اولیاء امور در ایران موافق مذاکره با آمریکا هستند در همان حال تعدادی دیگر از مقامات کشور شدیداً با این کار مخالفند.

بخاش با اشاره به اظهارات مثبت اریک رولو یادآور شد گرچه حکومت اسلامی اخیراً آزادیهایی به مردم داده و ایران دارای پارلمانی است که در آن بحثها و مناظرات زیادی صورت می گیرد، ولی باید توجه داشت که رژیم اسلامی هیچگونه مخالفت جدی بر ضد خود را تحمل نمی کند.

بخاش آنگاه به نقش جمهوری اسلامی در جهان اسلام اشاره کرده و گفت که جمهوری اسلامی بعنوان رهبر انقلابی حرکتیهای اسلامی نقش خود را بسیار جدی می گیرد. سخنران درباره برخورد دولت آمریکا با ایران یادآور شد که موضع گیری منفی ایران در قبال صلح خاورمیانه و مداخله در امور لبنان و حمایت از دولت سودان سبب ایجاد اصطکاک بین تهران و واشنگتن شده است. مخالفت جمهوری اسلامی با صلح اعراب و اسرائیل نه تنها موجبات ناراحتی آمریکا را فراهم ساخته بلکه کشورهای غربی را نیز نگران کرده و به تیرگی روابط آنها با ایران افزوده است.

بخاش با اشاره به گفته بعضی از صاحب نظران یادآور گردید که برخلاف آنچه گفته می شود برقراری روابط سازنده با جمهوری اسلامی رفتار تهران را تغییر نمی دهد، هرچند با استناد به سخنان بوش مبنی بر اینکه نشان دادن حسن نیت باعث حسن نیت از سوی طرف مقابل می شود گفت ایران در مورد گروگانها اقداماتی صورت داد ولی از طرف آمریکا به زعم مقامات ایرانی حسن نیتی نشان داده نشد.

به نظر بخاش موانع موجود بر سر راه روابط دو کشور دو طرفه است و در هر دو کشور جناحهایی وجود دارند که مخالف برقراری رابطه هستند.

وی درباره مخالفت ایران با صلح اعراب و اسرائیل گفت گرچه دلایل رفتار ایران کاملاً روشن نیست ولی شاید یکی از آنها اهمیت یافتن اقتصادی و تجاری اسرائیل برای منطقه مخصوصاً خلیج فارس باشد که مغایر منافع ایران خواهد بود. به نظر بخاش یکی از آثار صلح در منطقه، برقراری روابط صلح آمیز بین سوریه و اسرائیل خواهد بود که احتمالاً کاهش روابط ایران و سوریه را به دنبال خواهد داشت. سخنران آنگاه به توجه جدی ایران به روسیه و آسیای مرکزی پرداخت و یادآور شد که مقامات ایرانی به اهمیت امنیت مرزی آگاه شده اند و به همین دلیل با گسترش همکاریها درصدد تأمین امنیت مرزهای خود با کشورهای مذکور و همچنین ترکیه و عراق می باشند. □□

تسلیماتی متعارف می تواند يك خطر نظامی عمده برای منطقه باشد و هر وقت لازم ببیند می تواند با استفاده از تحت الحمايه های خود در دسر ایجاد کند و ممالک منطقه یا امنیت خلیج فارس را تهدید کند! از طرفی ایران برای دستیابی به تکنولوژی هسته ای تلاش می کند، هرچند این تلاش از زمان رژیم شاه جریان داشته است. مضافاً اینکه این کشور پیشرفتهای زیادی در زمینه سلاحهای بیولوژیک و شیمیایی حاصل کرده که البته عمدتاً در جریان جنگ با عراق صورت گرفته و چیز تازه ای نیست، گرچه يك امر جدی است. از سوی دیگر باید در نظر داشت که رژیم تهران تعداد زیادی موشک «اسکاد» از روسیه و موشک «نود» از کره شمالی خریداری کرده و از چین نیز تکنولوژی پیشرفته وارد می کند. لذا می توان پیش بینی کرد که در دهه آینده ایران به صورت يك قدرت نظامی تهدید کننده در خواهد آمد.

تونی کوردزمن در بخش پایانی اظهارات خود مجدداً سیاستهای دولت کلینتون در برخورد با جمهوری اسلامی را به باد انتقاد گرفت و از آن جمله سیاست مهاردوگانه را نادرست توصیف کرد. به نظر نامبرده سیاست مهار دوگانه بیش از هر چیز به ایران کمک کرده که بتواند متحدان و مشتریان جدیدتری در نقاط مختلف دست و پا کند. از طرفی دولت آمریکا در برخورد با جمهوری اسلامی بعنوان يك رژیم متخاصم، از همان معیارهایی که در برخورد با دشمن قبلی یعنی شوروی به کار می برد استفاده نمی کند، بدین معنی که دولت آمریکا می تواند با دولت متخاصم گفتگو داشته باشد همچنان که با دولت شوروی رابطه داشت.

از نظر کوردزمن برخوردهای بی مورد دولت کلینتون بیشتر به خاطر منازعات و رقابتهای حزبی داخلی است. به تعبیری دیگر، مواضع دولت تحت الشعاع مبارزات حزبی و انتخاباتی قرار گرفته است. یعنی هر حزبی برای بهتر کردن وضع خود بیشتر به ایران حمله می کند. در الجزایر و اسرائیل نیز رهبران سیاسی برای موجه جلوه دادن سیاستها و برنامه هایشان، دولت ایران را اماج حمله قرار می دهند.

کوردزمن در پایان سخنرانی و در پاسخ به سؤال یکی از حاضران به نام پاتریک کلاوسون از دانشگاه دفاع ملی، که شخصاً موضع بسیار خصمانه ای نسبت به ایران دارد و از طرفداران اسرائیل می باشد، درباره این که دولت آمریکا چقدر باید به ایران امتیاز بدهد و چه باید بکند که تا بحال نکرده است، گفت: دولت کلینتون می تواند بهتر از اینها برخورد و کلاً منطقی تر عمل نماید. دولت کلینتون اگر بخواهد می تواند راهی برای خروج از این بن بست بیابد.

۳- اظهارات شائول بخاش استاد تاریخ دانشگاه جرج میسون

شائول بخاش ضمن ارزیابی اظهارات اریک رولو و تونی کوردزمن مطالبی بیان داشت که عمدتاً انتقاد از جمهوری اسلامی بود. وی با استناد به مقاله اریک رولو تحت عنوان «جمهوری اسلامی: تضادها و تناقضها»، جمهوری اسلامی ایران را مرکز تضادها دانست و به طور کلی از سیاستهای دولت انتقاد کرد. البته سخنان بخاش در جلسه مذکور با مواضع همیشگی وی تفاوت داشت و ظاهراً به علت یهودی بودن تحت تأثیر تبلیغات صهیونیستها و حضور یهودیان وابسته به سازمانهای یهودی در جلسه قرار گرفته بود. به هر حال وی برخلاف آنچه انتظار